
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

نظریه های جامعه شناسی

«علوم اجتماعی»

مولف: یاسر فروغی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مؤلف

زمانی که تصمیم به تالیف کتاب شرح جامع بر نظریه‌های جامعه‌شناسی گرفتم، تمام سعی‌ام بر آن بود تا اثری منسجم و کارآمد برای نظریه جامعه شناسی پدید آورم. در این راستا به بررسی منابع کنکور و نیز سوالات سالهای اخیر کنکور پرداختم تا بتوانم کتابی با حداکثر کیفیت و کارآمدی برای کنکور سراسری تألیف کنم. همچنین از جمعی از دوستانم که جز رتبه‌های برتر کنکور هستند نیز در گزینش منابع مدد جستم تا با نظرات آنها درباره اینکه از چه منابع و کتبی برای موفقیت در کنکور استفاده کرده‌اند شناخت بیشتری بدست آورم. لذا سعی کردم تقریباً از تمام منابعی که در این سالها منبع کنکور بوده‌اند بهره گیرم و اهم مطالب آنها را در یک کتاب جمع‌آوری کنم. در تألیف این کتاب من با یک روش وبری پیش رفتم و تاکیدم بر فهم و درک نظریه جامعه‌شناسی بوده است. در واقع مؤلف در این کتاب یک رویکرد تفهمی دارد و سعی شده تا به فهم و درک خواننده از نظریه توجه کند. همانطور که وبر می‌گوید: «جامعه‌شناسی علم تفهم کنش اجتماعی است. تفهم مستلزم درک معنایی است که فاعل کنش برای رفتار خویش می‌پذیرد.» در نظریه جامعه‌شناسی نیز باید به تفهم معنای ذهن جامعه شناسی پرداخت تا به شناخت درست و دقیق رسید. بنابراین من سعی کردم تا آنجا که امکانش بود از categorizeیا طبقه بندی و تقسیم بندی کردن عبارات پرهیز کنم تا روح و روانی مطلب حفظ شود و ذهن خواننده شرطی نشده و از تفهم حقیقی به دو افتد. باید توجه داشت که نظریه جامعه‌شناسی یک فرمول نهایی و بسته ریاضی نیست که دقیقاً همان را حفظ کرد و به کار برد بلکه مستلزم درک و فهم معنای آن وکاربردمتناسب آن در موقعیت مناسب است. همانطور که نظریه جامعه شناسی آغاز مشخصی ندارد پایان مشخصی نیز برای آن متصور نیست. نظریه جامعه شناسی خصلتی سیال و پویا دارد که در گستره زمان می‌خزد. این کتاب منبعی غنی برای نظریه جامعه‌شناسی است و حتی درکنار منابع اصلی کنکوری قرارمی گیرد، زیرا حاوی اهم مطالب جمیع مطالب منابع است. من ادعایی در اینکه کتاب صد در صد سوالات کنکور را پوشش می‌دهد ندارم زیرا چنین ادعایی برای هیچ کتاب آموزشی در سطح کارشناسی ارشد ممکن نیست. اما براینم که این کتاب درصد بسیار بالایی از سوالات کنکور را پوشش می‌دهد به طوری که اطمینان و اعتماد کافی استفاده از آن را به خواننده خواهد دادواز این جهت هیچ نگرانی برای خوانندگان وجود ندارد. ضرورت چنین کتابی با توجه به اینکه نظریه جامعه شناسی از سرفصلهای مهم گرایشهای مختلف علوم اجتماعی است و نیز حجم مطالب زیاد نظریه‌های جامعه‌شناسی به طوری که خواننده را در جمع‌بندی مطالب خصوصاً روزهای پایانی کنکور دچار مشکل می‌کند، بیش از پیش احساس می‌شد.این کتاب به طور کلی به دو بخش که بخش اول آن کلیاتی از نظریه جامعه شناسی وجامعه شناسان آورده شده ودر بخش دوم نظریه های عمده جامعه شناسی در دوران معاصرآمده است. این کتاب سعی شده است که با توجه به آخرین تغییرات کنکوری تالیف شود. مولف معتقد است این کتاب نسخه‌ای بی‌نظیر در این زمینه است و راهگشای مناسبی برای فایق آمد بردرس نظریه جامعه‌شناسی است. باید یادآور شوم که این کتاب مانند هر کتاب دیگری عاری از عیب و نقص نیست لذا نقدهای خوانندگان عزیز را با کمال میل پذیرااام. در پایان برای خوانندگان عزیز رسیدن به قله‌های کمال و معرفت را امیدوارم و در درگاه پروردگار رسیدن به موفقیتهای علمی و معنوی و سربلندی و معرفت را برای ایشان آرزومندم.

با سپاس

یاسر فروغی

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر..... ۳

پیشگفتار ناشر..... ۴

فصل اول: نظریه

تعاریف مختلفی از نظریه ۱۳

خصوصیات نظریه ۱۴

کارکردهای نظریه ۱۴

بخشهای تئوری یا نظریه ۱۴

فرانظریه ۱۶

یک انگاره (PARADAIM): ۱۷

سطح‌های واقعیت اجتماعی ۱۹

خلاصه فصل اول ۲۰

فصل دوم: مونتسکیو، مانهایم

جمله مشهور مونتسکیو ۲۷

روح کلی ۲۷

خلاصه فصل ۳۰

فصل سوم: اگوست کنت

مراحل سه گانه اندیشه کنت ۳۵

ایستایی و پویایی ۳۶

پویایی ۳۷

طبیعت بشری و نظم اجتماعی ۳۷

جامعه صنعتی ۳۹

روش علم ۴۰

قانون تکامل ۴۲

سلسله مراتب علوم ۴۳

عنوان **صفحه**

خصیصه علم ۴۴
خلاصه فصل ۴۵

فصل چهارم: اسپنسر

تکامل و دگرگونی ۵۳
طبقه بندی و تقسیم‌بندی جوامع ۵۴
کارکرگردایی ۵۵
فردگرایی ۵۵
تقسیم کار (تفاوت پذیری: (DIFFERENTION) ۵۶
خلاصه فصل ۵۷

فصل پنجم: جورج زیمیل

جامعه شناسی صوری ۶۳
سنخ (نوع) های اجتماعی (SOCIAL TYPE) ۶۴
فقیر ۶۴
دیالکتیک ۶۵
اهمیت اعداد ۶۶
ساختارهای اجتماعی ۶۷
فلسفه پول ۶۸
مُد ۶۹
زندگی بیشتر و بیشتر از زندگی ۶۹
آگاهی‌های فردی ۶۹
خلاصه فصل ۷۱

فصل ششم: کارل مارکس

انسان و تکامل جامعه ۷۹
نظریه طبقاتی ۸۰
از خود (با خود) بیگانگی (ALIENATION) ۸۰
پویایی و دگرگونی اجتماعی ۸۱
استعداد نهانی انسانها ۸۲
سرمایه داری ۸۳
کمونیسم ۸۳
کار، فعالیت ۸۳
بت انگاری کالاها (FETISHISM OF COMMODITION) ۸۴
شیء انگاری (REIFICATION) ۸۴

عنوان **صفحه**

تقسیم کار ۸۵
ایدئولوژی ۸۵
ارزش ۸۵
روابط تولید، نیروهای تولید، شیوه‌های تولید ۸۶
سرمایه ۸۷
فلسفه مارکسیستی ۸۹
جامعه شناسی مارکسیستی ۹۱
جامعه‌شناسی و اقتصاد ۹۲
خلاصه فصل ۹۴

فصل هفتم: پارتو

انواع کنش‌های بشری ۱۰۳
کنش غیر منطقی ۱۰۳
بازمانده‌ها و مشتقات ۱۰۶
مشتقات ۱۰۸
همنهاد جامعه شناختی ۱۱۰
برگزیدگان(نخبگان) ۱۱۱
علم وسیاست ۱۱۳

فصل هشتم: امیل دورکیم

تقسیم کار اجتماعی ۱۲۲
خودکشی ۱۲۴
صور بنیادی حیات دینی ۱۲۸
قواعد روش جامعه شناختی ۱۳۲
سوسیالیسم ۱۳۴
برخی دیگر از نکات تکمیلی درباره اندیشه دورکیم ۱۳۶
خلاصه فصل ۱۴۱

فصل نهم: ماکس وبر

انواع کنش ۱۵۱
تاریخ و جامعه‌شناسی ۱۵۴
علیت و احتمال ۱۵۵
نمونه ایده‌آل یا نمونه آرمانی یا نوع عالی(IDEAL TYPE) ۱۵۶
اقتصاد و جامعه ۱۶۳
انواع سلطه یا انواع اقتدار(AUTHORITY) ۱۶۵

عنوان **صفحه**

طبقه، منزلت و قدرت (حزب) ۱۶۸
علم طبیعی، علم اجتماعی، ربط ارزشی ۱۷۱
کنش اجتماعی ۱۷۲
انواع عقلانیت ۱۷۲
خلاصه فصل ۱۷۵

فصل دهم: کارکردگرایی ساختاری، نو کارکردگرایی و نظریه کشمکش(تقابل)

نظریه قشربندی کارکردی و انتقادهای بر آن ۱۸۷
کارکردگرایی ساختاری تالکت پارسونز ۱۸۹
الگوی کارکرد گرایی ساختاری رابرت مرتون ۲۰۰
نوکارکردگرایی ۲۰۶
نظریه کشمکش (تقابل) به عنوان جانشین ۲۰۸
رالف دارندروف ۲۰۹
رَندل کالینز ۲۱۴
خلاصه فصل ۲۱۷

فصل یازدهم: انواع نظریه‌های جامعه شناختی نئومارکسیستی

جبرگرایی اقتصادی ۲۳۱
مارکسیسم هگلی ۲۳۱
آنتونیو گرامشی ۲۳۳
نظریه انتقادی یا مکتب فرانکفورت ۲۳۳
مارکسیسم ساختاری ۲۴۵
جامعه شناسی اقتصادی نومارکسیستی ۲۴۸
مارکسیسم تاریخگرا ۲۵۰
نظریه بازی مارکسیستی ۲۵۳
خلاصه فصل ۲۵۴

فصل دوازدهم: نظریه کنش متقابل نمادین

ریشه‌های عمده تاریخی ۲۶۵
اندیشه مید – ذهن، خود و جامعه ۲۶۷
اصول بنیادیِ نظریه معاصر کنش متقابل نمادی ۲۷۲
چارلزهورتون کولی ۲۷۴
موریس روزنبرگ ۲۷۷
اروین گافمن ۲۷۸

عنوان **صفحه**

هربرت بلومر ۲۷۹
یک نظریه کنش متقابل کارامدتر ۲۸۳
خلاصه فصل ۲۸۴

فصل سیزدهم: جامعه‌شناسی پدیده‌شناسی و روش‌شناسی مردم نگارانه

همانندی‌ها و تفاوت‌ها ۲۹۵
جامعه‌شناسی پدیده‌شناسی ۲۹۶
افکار ادموند هوسرل ۲۹۶
نظریه‌های آلفرد شوتس ۲۹۸
شوتس و وبر ۳۰۴
ساخت اجتماعی واقعیت ۳۰۶
روش شناسی مردم نگارانه ۳۰۸
خلاصه فصل ۳۱۳

فصل چهاردهم: نظریه تبادل و جامعه‌شناسی رفتاری

اسکینر و رفتار گرایی ۳۲۳
جامعه‌شناسی رفتاری ۳۲۴
نظریه تبادل ۳۲۵
نظریه تبادل تلفیقی پیتر بلاو ۳۳۲
تلفیق نظریه تبادل با نظریه کنش متقابل نمادین ۳۳۴
خلاصه فصل ۳۳۵

فصل پانزدهم: نظریه فمینیستی معاصر

پرسش‌های نظری بنیادی ۳۴۵
انواع نظریه‌های فمینیستی در دوران معاصر ۳۴۶
نظریه‌های تفاوت جنسی ۳۴۷
نظریه‌های نابرابری جنسی ۳۴۸
نظریه‌های سمتگری جنسی ۳۵۰
نظریه جامعه‌شناختی فمینیستی ۳۵۳
پیوندهای انگاره‌های جامعه‌شناختی ۳۵۷
خلاصه فصل ۳۵۹

فصل شانزدهم: تحولات اخیر در نظریه جامعه‌شناسی

نظریه کنش ۳۶۵
نظریه نظام‌ها ۳۶۶

عنوان **صفحه**

ساختارگرایی ۳۶۸
ما بعد ساختارگرایی- اندیشه‌های میشل فوکو ۳۷۴
نظریه ساختاری ۳۷۹
نظریه شبکه ۳۸۱
جامعه‌شناسی وجودی ۳۸۱
پیوند سطوح خرد و کلان: پیدایش یک مسأله اصلی اساسی نظری ۳۸۳
نظریه انتخاب اجتماعی ۳۸۷
نظریه بر چسب زنی ۳۸۷
تلفیق عاملیت و ساختار ۳۸۹
نمونه های عمده تلفیق عاملیت و ساختار ۳۸۹
خلاصه فصل ۴۰۱

فصل هفدهم: نظریه‌های معاصر درباره نوگرایی و مابعد نوگرایی

گردونه خرد کننده نوگرایی ۴۱۱
عقلانیت شدید، مک دو نالیزه شدن و آمریکایی شدن ۴۱۴
طرح ناتمام نوگرایی ۴۱۶
مابعد نوگرایی ۴۱۷
نظریه اجتماعی میانه روانه مابعد نوین: فردریک جیمسون ۴۱۹
نظریه اجتماعی افراطی مابعد نوین: ژان بودریلار ۴۲۰
خلاصه فصل ۴۲۲
منابع و مأخذ ۴۲۵

فصل اول

نظریه

عناوین اصلی

- تعاریف مختلفی از نظریه
- خصوصیات نظریه
- کارکردهای نظریه
- بخشهای تئوری یا نظریه
- فرانظریه
- یک انگاره (paradaim)
- سطح‌های واقعیت اجتماعی
- خلاصه فصل

فصل اول

نظریه

تعاریف مختلفی از نظریه

نظریه (تئوری) Theory به طور اعم به بررسی کلی و وسیع مسایل از راه تفکر و تخیل اطلاق می‌شود، بی‌آنکه این بررسی الزاماً رابطه‌ای با عمل داشته باشد. نظریه: مجموعه قانونهایی است که بر مبنای قواعد منطقی با یکدیگر در ارتباط بوده و مبین بخشی از واقعیت باشند. رکن اساسی نظریه قانون (قانونمندی) است. و نظریه‌گفتاری است که بیانگر روابط علت و معلولی پدیده‌هاست. نظریه: نظریه همنگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد. نظریه به طور مفروض مورد قبول دانشمندان است. نظریه از لحاظ تعمیم اصول و ترکیب، محدود و همیشه موقتی است و قسمی از علم محسوب می‌شود. نظریه یک چارچوب مفهومی یا مرجع و یا یک رهیافت است.

نظریه: به یک رشته قضایای مرتبطی اطلاق می‌شود که زمینه را برای تنظیم دانش، تبیین و پیش‌بینی زندگی اجتماعی و ایجاد فرضیه‌های تحقیقی نوین فراهم می‌سازد.

نظریه جامعه شناسی: نظام دامن گسترده‌ای از افکار است که با مهمترین قضایای مربوط به زندگی اجتماعی سروکار دارد.

نظریه (تئوری): نوعی شناخت است که پایه تجربی و تعقلی (علمی) دارد و مبین رابطه و پیش‌بینی کننده وقوع آن پدیده است. و تاحدی منطبق بر واقعیت‌ها است و با عقل و منطق مغایرتی ندارد و با روش سیستماتیک و منظمی بدست می‌آید که به آن روش تحقیق می‌گویند.

نظریه یا تئوری: از تعمیم وجوه مشترک قوانین علمی به روش استقراء به شناخت کلی‌تر می‌رسیم که همان تئوری است.

نظریه یا تئوری: مجموعه‌ای از قوانینی است که از طریق استقراء در کنار هم جمع شده‌اند.

نظریه از دیدگاه تجربه گراها: کوششی عملی در راه جمع آوری شواهد و یافته‌های تجربی و برقرار کردن همبستگی بین یافته‌ها و تبیین آنها از طریق استقراء. به بیان دیگر نظریه کشف یک رابطه علت و معلولی بین پدیده‌هاست. تجربه گراها اکثراً مخالف نظریه پردازی بوده‌اند و بیشتر کمیت را در نظر داشته‌اند. نظریه به مسایل قابل بررسی در تحقیق اشاره می‌کند.

نظریه از دیدگاه مرتون: مجموعه‌ای از قضایای مربوط به هم است که از آن بتوان به موارد مشابه تجربی دست یافت.

نظریه از دیدگاه پارسونز: مجموعه‌ای از مفاهیم انتزاعی وکلی است که مبنای تجربی داشته و با هم ارتباط دارند و طبیعتاً این نظام منطقی بسته است تا یگانگی حفظ شود. نظریه یک رابطه‌ی مستقیم با واقعیت برقرار می‌کند.

نقش نظریه در تحقیق اجتماعی از دیدگاه مرتون: نظریه گرایشهای کلی را روشن می‌کند و متغیرهای کلیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد. و در انتخاب موارد تحقیق و کسب اطلاعات راهنمای خوبی است.

خصوصیات نظریه

۱- نظریه شامل مفاهیم دقیق و تعریف شده است که این مفاهیم در قضایای منطقی و مربوط به هم عنوان می‌شوند.
۲- نظریه یک ساختار نمادین و منظم است.
۳- نظریه پردازی کاری است خلاق و یک حرکت کیفی و فراتر از شواهد تجربی
۴- نظریه قابل اصلاح و تغییر است و یک فرمول نهایی نیست
۵- در نظریه خلاقیت، اندیشه، سنت فکری، سنجش، قیاس و استقرار و توانایی پیش‌بینی باید وجود داشته باشد.

کارکردهای نظریه

۱- شکل دادن به مفاهیم. مفاهیم پایه اصلی برای نظریه می‌باشند.
۲- منظم کردن یافته‌های آماری
۳- گسترش علم جامعه‌شناسی. در علوم اجتماعی جستجو برای یافتن یک نظریه حقیقی کار بیهوده‌ای است زیرا در هر نظریه بخشی از واقعیت وجود دارد.

بخشهای تئوری یا نظریه

الف- بخش درونی شامل

۱- مفاهیم یا متغیرها
۲- فرضیه ها
۳- قانون علمی
۴- انگارش

ب- بخش برونی

در تئوری دو متغیر داریم: مستقل و وابسته که بین آنها رابطه‌ی علت و معلولی وجود دارد.

انواع نظریه‌ها از یک دیدگاه

۱- نظریه‌های اثبات‌گرا: این نظریه‌ها جامعه‌شناسی را یک علم طبیعی و یا همانند علم طبیعی در نظر می‌گیرند مانند اثبات‌گرایی نو یا رفتارگرایی اجتماعی
۲- نظریه‌های تعبیری و تفهمی: این نظریه‌ها جامعه‌شناسی را یک علم تعبیری می‌دانند و مخالف شیوه‌ی علوم طبیعی هستد. مانند پدیدارشناسی و دیدگاه وبر.
۳- نظریه‌های انتقادی یا نظریه‌های ارزشی: طرفدران این نظریه‌ها معتقدند در جامعه‌شناسی نمی‌توان از شیوه‌های علوم طبیعی استفاده کرد بلکه باید از دیدگاه عقلی و انتقادی بهره گرفت.

تقسیم‌بندی دیگر نظریه

۱- نظریه کلان

یک چارچوب مفهومی وسیعی است که متشکل از قضایای مربوط به هم است و یک چارچوب کلی برای مطالعه‌ی جریانهای اجتماعی و نهادها ارائه می‌کند. و گرایشهای کلی جامعه‌شناسی را در یک چارچوب مشخص می‌کند واحد تحلیل در این نوع نظریه‌ها ساخت می‌باشد مانند نظریه کارکردگرایی پارسونز

۲- نظریه‌های میان برد

این نوع نظریه‌ها توسط رابرت مرتون مطرح شده است و فقط در مورد بخشی از جامعه یا فقط در مورد یک جامعه مصداق دارد. مانند نظریه مرتون در مورد آنومی در جامعه‌ی آمریکا

۳- نظریه خرد

این نوع نظریه‌ها بیشتر به روابط واحدهای کوچکتر در جامعه می‌پردازد.

واحد تحلیل در این نوع نظریه‌ها نقش‌ها و تعامل بین نقشها می‌باشد. نظریه‌های خرد به تحقیقات تجربی نزدیکتر است.

هر نظریه علمی خود می‌تواند موجد فرضیه‌هایی باشد. در یک تئوری توان تبیین رابطه‌ی بین واقعیت بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. مواردی چون واقعیت اجتماعی، شخصیت نظریه پرداز، افکار و نظرات گذشته منبع شکل‌گیری نظریه محسوب می‌شوند. نظریه یک قضیه است.

هدف از ارائه‌ی یک **مدل نظری** توصیف و تجسم است.

فرضیه

فرضیه یک رابطه‌ی حدسی یا گمانه‌ای است که مابین دو پدیده پیشبینی می‌کنیم که صحت و سقم آن را در عمل ثابت می‌کنیم و اگر ثابت شد به قانون یا قاعده علمی تبدیل می‌شود. و چون در آزمونهای مختلف ثابت شد به رابطه‌ای پایدار تبدیل می‌شود. پشت‌بند قانون علمی هم عقل است و هم تجربه. در تئوری ما هم با فرضیه‌های تایید شده و هم فرضیه‌های تایید نشده سروکار داریم. هر فرضیه‌ای که با تجارب متعدد و مکرر به اثبات برسد می‌تواند به سطح قانون ارتقاء یابد.درفرضیه مابادومتغییر سروکارداریم:۱- مستقل، ۲- وابسته.

علم

علم تجربه‌ها را سیستماتیک کرده و به رابطه‌ی پایدار تبدیل می‌کند و بعد از دسترسی به قانون علمی وجه اشتراک آنها را کنار هم گذاشته و به تئوری می‌رسیم.

انگارش (فرض)(Assumption)

زیربنای هر تئوری انگارش (فرض) می‌باشد و اصولی است که ما آنها را بدون تجربه و آزمایش می‌پذیریم مانند قانون علیت.

مکتب (school).

مکتب مجموعه‌ای از بینشها و روشها که بر محور یک انگارش یا ارزش اساسی توسط یک یا چند صاحب نظر در یکی از حوزه‌های حیات اجتماعی شکل می‌گیرد. مکتب حوزه تفکر علمی یا گرایشهای فکری مشابه و نزدیک به هم را که احیاناً یکدیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهند و یا زمینه‌های خاصی را برای تحقیق و تبع و نظریه‌پردازی ممکن است بپذیرند. مکتب عام‌تر از نظریه و نظریه عام‌تر از قانون علمی است. از برآیند قانون علمی نظریه بدست می‌آید. مکتب با نظریه پیوستگی متقابل دارد. نظریه بر خلاف مکتب ساختی علمی دارد.

نمی‌توان تاریخ آغاز گرفتن نظریه جامعه‌شناسی را به آسانی تعیین کرد انقلاب‌های سیاسی، انقلاب صنعتی، سرمایه‌داری، پیدایش سوسیالیسم، دگرگونی مذهبی و رشد علم از جمله عوامل اجتماعی در تحول نظریه جامعه‌شناسی‌اند. شاخص نخستین مکتب عمده آمریکایی یعنی مکتب شیکاگو، نگرانی درباره زندگی شهری و علاقه به این امر بود که از شهر

شیکاگو به عنوان آزمایشگاهی برای بررسی شهرگرایی و مسایل آن استفاده شود. نظریه جامعه‌شناسی به عنوان واکنشی در برابر نظریه‌ی مارکسیستی به طور خاص و نظریه سوسیالیستی به طور عام ساخته و پرداخته شد. تاثیر روشن‌اندیشی در نظریه‌ی جامعه‌شناسی بیشتر غیر مستقیم و منفی بود تا مستقیم و مثبت و اما جامعه‌شناسی فرانسوی بیشتر به گونه‌ای مستقیم و مثبت تحت تاثیر جنبش روشن اندیشی بود. لویی دوبونالد و ژوزف دومیستر دو تن از مخالفان روشن اندیشی در فرانسه بودند. واکنش محافظه‌کارانه در برابر روشن اندیشی به عنوان نخستین بنیاد فکری تحول جامعه شناسی در فرانسه به شمار می آید. آگوست کنت و امیل دورکیم را به عنوان بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی می‌دانند.

فرانظریه

فراتحلیل

فراتحلیل را می‌توان به عنوان بررسی اصول اساسی دانش انباشته تعریف کرد. انواع گوناگون فراتحلیل در جامعه‌شناسی را می‌توان تحت عنوان فراجامعه‌شناسی گروه‌بندی کرد.

فراجامعه شناسی

این نوع جامعه شناسی را می‌توان به عنوان بررسی کلی ساختار اساسی جامعه شناسی و نیز ساختار و عناصر گوناگون سازنده آن تعریف کرد.

فرانظریه

فرانظریه به بررسی ساختار بنیادی نظریه جامعه‌شناسی می‌پردازد. رَدِ فراجامعه شناسی به معنای عام و به ویژه فرانظریه را می‌توان در همان آغاز کار جامعه شناسی پیدا کرد. بخش بیشتر قواعد روش شناختی دورکیم را می‌توان یک کار فراجامعه‌شناسی به حساب آورد. فرفی فراجامعه شناسی را به عنوان علمی جدا از جامعه شناسی تشخیص می‌دهد. بدین معنا که موضوع بررسی جامعه شناسی جهان اجتماعی است، حال آنکه موضوع بررسی فراجامعه شناسی، خود جامعه شناسی است. به عقیده‌ی فرفی فراجامعه شناسی سه وظیفه دارد:

۱- باید معیارهایی را جهت تشخیص دانش علمی جامعه‌شناسی از دانش غیر علمی بدست دهد.
۲- باید میان پدیده‌های مرتبط و نامرتبط با جامعه‌شناسی تمایز قایل شود.
۳- باید قواعد و دستورالعملهایی را برای کابرد این دو نوع معیار یاد شده در پژوهشهای علمی جامعه‌شناسی فراهم آورد.

به عقیده‌ی فرفی جامعه شناسی یک علم است و فراجامعه شناسی یک علم کمکی است که اصول روش شناختی مورد لزوم جامعه‌شناسی را فراهم می‌سازد.

ریتزر و ترنر معتقدند که فراجامعه شناسی باید خود جامعه‌شناسی را موضوع بررسی‌اش قرار دهد. همه‌ی فرانظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر با بررسی صوری یا غیر صوری نظریه‌ی جامعه‌شناسی سروکار دارند. نخستین و گسترده ترین رهیافت را در جهت تشخیص انگاره‌های عمده جامعه‌شناختی تامس کوهن در فلسفه‌ی علم انجام داده است. انگاره‌های کوهن از دو عنصر شناختی و اجتماعی برخوردارند. دومین رهیافت، تاکید بر گروههای به نسبت کوچکی از نظریه پردازان است که پیوندهای مستقیمی با یکدیگر دارند. (رهیافت مکاتب). سومین رهیافت با عنوان رهیافت مکاتب فکری مشخص می‌شود. مکتب فکری گروه گسترده‌تری از نظریه پردازان را در برمی‌گیرد که بیشترشان هیچگونه تماس شخصی باهم ندارند و یا اگر هم دارند، چندان زیاد نیست. و به خاطر تعلق به یک نظریه‌ی خاص به یکدیگر پیوند خورده‌اند. هرسه رهیافت فرانظریه‌ی بالا به یک جهت‌گیری ایستا گرایش دارند. کار میشل فوکو و اندیشه‌هایش درباره‌ی ریشه‌های تاریخی علوم انسانی و نیز در

زمینه‌ی پیوند قدرت با دانش در زمینه‌ی رهیافت به سطح کلان‌تر و جامعه‌ی گسترده‌تر و ماهیت تاثیر آن بر نظریه پردازی جامعه‌شناسی است. رهیافت دیگری وجود دارد که در جهت توسعه‌ی یک ابزار فرا نظریه‌ی عام است تا با آن انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی را تحلیل کند. و در ضمن نظریه‌ای جامعه‌شناسی بپروراند. الگذندر در زمینه‌ی کنش و نظم، همچنین کوششهای انجام گرفته در زمینه تحلیل سطوح گوناگون نظریه جامعه‌شناسی و نیز کارهایی در زمینه‌ی شناخت پیوندهای سطح خرد و کلان به این رهیافت تعلق دارند. رهیافت فرا نظریه‌ی ریتزر که مبنای کتاب او را تشکیل می‌دهد از تلفیق رهیافت تامس کوهن در جهت تشخیص انگاره‌های عمده جامعه‌شناسی و همچنین رهیافت تحلیل نظریه‌های موجود است. دیدگاه کوهن بر فراجامعه‌شناسی چیرگی یافته است. کتاب ساختار انقلابهای علمی از تامس کوهن است. به عقیده کوهن علم در هر دوره‌ای تحت تسلط یک انگاره خاص است. مرحله بهنجار، دوره‌ای از انباشت علم است که در آن، دانشمندان برای بسط انگاه مسلط علمی فعالیت می‌کنند.

انگاره نسخت ← علم بهنجار ← بحران ← انقلاب ←انگاره دوم

یک انگاره (paradaim):

۱- در جهت متمایز ساختن یک اجتماع علمی از یک اجتماع علمی دیگر عمل می‌کند. مانند جداکردن فیزیک از شیمی
۲- انگاره را می‌توان برای تمایز میان مراحل گوناگون تاریخی در تحول یک علم نیز به کار برد.
۳- انگاره می‌تواند گروهبندی‌های شناختی درون یک علم را از هم تفکیک کند. مانند روانکاوی معاصر که به سه انگاره‌ی فرویدی، یونگی و هورینایی تفکیک شده است.

انگاره: تصویری بنیادی ازموضوع بررسی یک علم است.

انگاره: تعیین می‌کند که در یک علم چه چیزی را باید بررسی کرد، چه پرسشهایی را می‌توان به پیش کشید، این پرسشها را چگونه باید مطرح کرد و در تفسیر پاسخهای بدست آمده چه قواعدی را باید رعایت کرد.

انگاره: گسترده‌ترین وجه توافق در چارچوب یک علم است و در جهت تفکیک یک اجتماع علمی (یا خرده اجتماع) علمی از اجتماع علمی دیگر عمل می‌کند. نظریه‌ها تنها بخشی از انگاره‌های گسترده‌تر به شمار می‌آیند. انگاره یا پارادایم:

۱- مجموعه‌ای از عقاید، ارزشها و تکنیک‌ها که افراد یک جامعه‌ی علمی به کار می‌برند.
۲- رشته‌ای از پیش فرضهای بی‌چون و چرا است که قابل مطالعه علمی است (اگزیوم‌های اصلی).
۳- دستاوردهای علمی معینی (سرمشقها) که فعالیت علمی آینده را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

جامعه‌شناسی به عنوان یک علم چند انگاره‌ای

فریدریکس می‌گوید جامعه‌شناسی به دوانگاره‌ی نظام و انگاره کشمکش و طیف گسترده‌ای از چشم اندازهای دیگر به عنوان انگاره‌های بالقوه منشعب شده است. فریدریکس برای این انگاره‌ها در برابر دو انگاره‌ی پیامبرانه (که وابستگان به این انگاره خودشان را عامل دگرگونی می‌دانند) و انگاره کاهنانه (که جامعه‌شناسان وابسته به آن خودشان را دانشمندن فارغ از ارزش می‌انگارند) اهمیت ثانوی قایل است. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که جامعه‌شناسی یک علم چند انگاره‌ای است. اندروافرت نیز جامعه‌شناسی را یک علم چند انگاره‌ای در نظر می‌گیرد.

آیزنشتاد و ام‌کورلارو میان انگاره‌های نظام بسته، گسسته و باز تمایز قایل شده‌اند. چارلز لمرت بر پایه‌ی جهت‌گیری انسان‌مداری‌اش سه نوع جامعه‌شناسی را مشخص می‌کند.

۱- جامعه‌شناسی واژگانی که بر پایه‌ی یک نوع جهت‌گیری فنی استوار است.
۲- جامعه‌شناسی معنایی که بر تفسیر معنا تاکید دارد.
۳- جامعه‌شناسی نحوی که در جهت‌گیری‌اش نسبت به جامعه‌شناسی سیاسی‌تر عمل می‌کند.

ریتزر جامعه شناسی را یک علم چند انگاره‌ای می‌داند.

تقسیم‌بندی ریتزر از انگاره‌های جامعه شناسی

انگاره واقعیت‌های اجتماعی

۱- سرمشق وابستگان به این انگاره کار امیل دورکیم به ویژه قواعد روش جامعه شناختی و خودکشی است.
۲- وابستگان به این انگاره بر ساختارها و نهادهای پهن دامنه یا همان چیزی که دورکیم واقعیت‌های اجتماعی نامیده تاکید دارند.
۳- وابستگان به این انگاره بیشتر از پرسشنامه‌های مصاحبه‌ای و روشهای تطبیقی تاریخی استفاده می‌کنند.
۴- نظریه‌ی کارکردگرایی ساختاری، نظریه‌ی کشمکش و نظریه‌ی نظامها به این انگاره تعلق دارند.

انگاره تعریف اجتماعی

۱- الگوی ماکس وبر در زمینه کنش اجتماعی سرمشق این انگاره است
۲- وابستگان به این انگاره بیشتر از روش مشاهده (طبیعت‌گرایی) استفاده می‌کنند هرچند که از روش پرسشنامه مصاحبه‌ای نیز استفاده می‌کنند.
۳- نظریه کنش، نظریه کنش متقابل نمادین، پدیدار شناسی، روش شناسی مردم نگارانه و وجود گرایی به این انگاره تعلق دارند.

انگاره رفتار اجتماعی

۱- کار بی. اف. اسکینر روانشناس سرمشق جامعه‌شناسانی است که در حیطه این انگاره کار می‌کنند.
۲- موضوع بررسی جامعه شناسان رفتارگرا رفتار غیر فکورانه‌ی افراد است. پاداشها و مجازاتهایی که رفتار را متأثر می‌کند برای این جامعه شناسان مهم است.
۳- روش شاخص رفتارگرایی آزمایش است.
۴- جامعه‌شناسی رفتاری و نظریه‌ی تبادل دورهیافتی هستند که در حیطه‌ی رفتارگرایی اجتماعی کار می‌کنند.

رابرت مرتون انگاره‌ی واقعیت‌های اجتماعی و انگاره تعریف اجتماعی را متقابلاً غنی کننده‌ی هم تشخیص داده و گفته است که اختلاف این دو مانند اختلاف کره و مربا است. در میان رفتارگرایان اجتماعی آرتور اشتانس به دنبال آن است تا فراگردهای ذهنی خلاقانه را با رفتارگرایی سنتی تلفیق کند.مفروضات بنیاد پارادایم های علوم اجتماعی راتشکیل می دهند. به نظر ریتزر اساس یک انگاره تلفیقی، مفهوم سطوح واقعیت اجتماعی است. دو پیوستار برای واقعیت اجتماعی برای طرح سطوح عمده اجتماعی به کار می‌آیند به نظر ریترز **نخستین پیوستار کلان‌بینانه – خردبینانه** است. این پیوستار مبتنی بر این فکر ساده است که پدیده‌های اجتماعی از نظر حجم بسیار با هم تفاوت دارند – در حد کلان این پیوستار پدیده‌های اجتماعی پهن دامنه‌ای همچون گروه‌های جوامع مانند نظامهای جهانی سرمایه‌داری و سوسیالیستی، خود جوامع و فرهنگها قرار دارند. در میانه‌ی این پیوستار گروهها، جمع‌ها، طبقات اجتماعی و سازمانها جای می‌گیرند. در حد خرد کنشگران فردی و اندیشه‌ها و کنش‌ها جای می‌گیرند. **دومین پیوستار نمایانگر بعد ذهنی – عینی واقعیت اجتماعی** است. که در سطح خرد فراگردهای روانی و ذهنی کنشگر و الگوهای عینی کنش و کنش متقابلی را که کنشگر درگیر آن است را شامل می‌شود که بعد ذهنی به چیزی اطلاق می‌شود که تنها در قلمرو افکار رخ می‌دهد حال آنکه بعد عینی مربوط است به رویدادهای واقعی و مادی – در حد کلان نیز یک جامعه هم از ساختارهای عینی مانند حکومت، دیوانسالاری و قوانین ساخته می‌شود و هم از پدیده‌های ذهنی مانند هنجارها و ارزشها.

پیوستار ذهنی – عینی از پیوستار خرد – کلان پیچیده‌تر است. به نظر ریتزر بسیاری از فعالیت‌های معمول و غیرعادی زندگی مانند خرید یک اتومبیل تحت تاثیر کنش متقابل و پیچیده عناصر خرد – کلان و ذهنی – عینی زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. پیوستار ذهنی – عینی نقش تعیین کننده‌ای در کار نظریه پردازانی چون مارکس، دورکیم و بلاو داشته است. که هر سه آنها این پیوستار را در سطح کلان به کار برده‌اند. بررسی تجربی مِری و رابرت جکمن از نمونه‌های کاربرد پیوستار ذهنی – عینی در سطح خرد است. جنبه‌ی خرد بینانه‌ی پیوستار ذهنی – عینی هم در انگاره‌ی تعریف اجتماعی و هم در انگاره‌ی رفتار اجتماعی و نیز تفاوت‌های آنها آشکار است. هرچند هردو این انگاره‌ها تاکید بر الگوهای عینی و خردکنش و کنش متقابل دارند اما در بعد ذهنی همه‌ی عناصر نظری انگاره تعریف اجتماعی در علاقه به ذهینت خُرد – یعنی احساسات و اندیشه‌های کنشگران – اشتراک دارند اما رفتارگرایان اجتماعی این فکر را رد می‌کنند.

سطح‌های واقعیت اجتماعی

یک الگو مهمترین اندیشمند قضیه سطوح واقعیت اجتماعی، جامعه‌شناس فرانسوی ژرژگورویچ است. وی دو پیوستار خرد - کلان و عینی - ذهنی را برای مشخص ساختن خصلت پویای زندگی اجتماعی به کار می‌برد. اما اشکال کارگورویچ این است که طرح تحلیلی او بسیار پیچیده و دست و پاگیراست یک پدیده اجتماعی عینی، کلاً وجودی مادی و واقعی دارد. کنشگران، کنش، کنش متقابل ساختارهای دیوانسالارانه، قوانین و دستگاه دولتی را می‌توان به عنوان پدیده‌های اجتماعی عینی در نظر گرفت. مساله‌ی پیوستار عینی - ذهنی این است که پدیده‌های بسیاری در میانه‌ی این پیوستار وجود دارند که هم از عنصر ذهنی برخوردارند و هم از عنصر عینی. مانند خانواده یا نظام سیاسی.

سطوح عمده واقعیت اجتماعی.

۱- عینی - کلان. نمونه‌ها: جامعه، قوانین، دیوانسالاری، معماری، تکنولوژی و زبان.
۲- ذهنی - کلان نمونه‌ها، فرهنگ، هنجارها و ارزشها.
۳- عینی - خرد نمونه‌ها: الگوهای رفتار، کنش و کنش متقابل.
۴- ذهنی - خرد نمونه‌ها: جنبه‌های گوناگون ساخت واقعیت اجتماعی.

انگاره واقعیت اجتماعی. بیشتر بر سطوح عینی – کلان و ذهنی – کلان تاکید دارد. انگاره تعریف اجتماعی بیشتر بر جهان ذهنی - خرد و آن بخش از جهان عینی – خرد که بستگی به فراگردهای ذهنی دارد (یعنی کنش) می‌پردازد. انگاره رفتار اجتماعی به آن بخش از جهان عینی – خرد می‌پردازد که فراگرد قصد کردن را در بر نمی‌گیرد (یعنی رفتار). گزینش هر انگاره بستگی به نوع پرسشی دارد که مطرح می‌شود. مارکس در همه‌ی سطوح واقعیت اجتماعی و روابط متقابل آنها بینشهای پرمایه‌ای داشت. نظریه‌ی کنش متقابل نمادین علاوه بر سروکار داشتن با ذهنیت و عینیت خرد از بینشهای راجع به سطوح کلان واقعیت اجتماعی نیز بی‌بهره نیست.

ساخت: هر گاه میان عناصر واجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است، رابطه نسبتا ثابت و پابرجا برقرار باشد، به مفهوم ساخت می‌رسیم.

خلاصه فصل

نظریه: مجموعه قانونهایی است که بر مبنای قواعد منطقی با یکدیگر در ارتباط بوده و مبین بخشی از واقعیت باشند. نظریه همنگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه به هم پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی پدیده‌ها را تبیین و پیش‌بینی کرد. نظریه همیشه محدود و موقتی است.

نظریه از یک منظر به نظریه‌های کلان، میان برد و خرد تقسیم می‌شود، فرضیه: یک رابطه حدسی یا گمانه‌ای است که ما بین دو پدیده پیش‌بینی می‌کنیم که صحت و سقم آن را در عمل ثابت می‌کنیم و اگر ثابت شد به قانون یا قاعده عملی تبدیل می‌شود.

مکتب: مجموعه‌ای از بینش‌ها و روش‌ها که بر محور یک انگارش یا ارزش اساسی توسط یک یا چند صاحب‌نظر در یکی از حوزه‌های حیات اجتماعی شکل می‌گیرد. مکتب عام‌تر از نظریه و نظریه عام‌تر از قانون علمی است.

فرا تحلیل: را می‌توان به عنوان بررسی اصول اساسی دانش انباشته تعریف کرد.

فراجامعه شناسی: این نوع جامعه شناسی را می‌توان به عنوان بررسی کلی ساختار اساسی جامعه شناسی تعریف کرد.

فرا نظریه: به بررسی ساختار بنیادی نظریه جامعه شناسی می‌پردازد. تقسیم‌بندی ریتزر از انگاره‌های جامعه شناسی: ۱- انگاره واقعیت‌های اجتماعی

۲- انگاره تعریف اجتماعی

۳- انگاره رفتار اجتماعی. به نظر ریتزر اساس یک انگاره تلفیقی مفهوم سطوح واقعیت اجتماعی است.

به نظر ریتزر نخستین پیوستار کلان بینانه – خردبینانه است و دومین پیوستار نمایانگر بعد ذهنی – عینی واقعیت اجتماعی است.

انگاره: تصویر بنیادی از موضوع بررسی یک علم است. و گسترده‌ترین وجه توافق در چارچوب یک علم است. یک انگاره ۱- در جهت متمایز کردن یک اجتماع علمی از یک اجتماع علمی دیگر عمل می‌کند.

۲- انگاره را می‌توان برای تمایز میان مراحل گوناگون تاریخی در تحول یک علم نیز به کار برد.

۳- انگاره می‌تواند گروه‌بندی های شناختی درون یک علم را از هم تفکیک کند.ژمهمترین اندیشمند قضیه سطوح واقعیت اجتماعی، جامعه شناس فرانسوی ژرژ گورویچ است. سطوح عمده واقعیت اجتماعی:

۱- عینی –کلان

۲- ذهنی – کلان

۳- عینی – خرد

۴- ذهنی – خرد

انگاره واقعیت اجتماعی بیشتر بر سطوح عینی –کلان وذهنی –کلان تاکید دارد.

انگاره تعریف اجتماعی بیشتر بر جهان ذهنی – خرد و آن بخش از جهان عینی – خرد که بستگی به فراگردهای ذهنی دارد (یعنی کنش) می‌پردازد. انگاره رفتار اجتماعی به آن بخش از جهان عینی – خرد می‌پردازد که فرا گرد قصد کردن را در بر نمی‌گیرد یعنی رفتار).

ساخت: هرگاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است، رابطه نسبتا ثابت و پا بر جا برقرار باشد، به مفهوم ساخت می‌رسیم.

تست‌های آخر فصل

۱- پارادایم در جامعه‌شناسی از نظر کوهن و ریتزر ..... است.

۱) بخشی از نظریه و مکتب
۲) در بردارنده تصور از موضوع، نظریه‌ها، روش‌های تحقیق و مثالواره
۳) در بردارنده نظریه
۴) معادل با نظریه

۲- کدام عبارت با نظر پارسونز درباره‌ی «تئوری» تطبیق می‌کند؟

۱) همان فرضیه‌ای است که از آزمون تجربی موفق در آمده است.
۲) مجموعه‌ای از قضایا است که می‌تواند در پیش‌بینی حوادث به ما کمک کند.
۳) مجموعه‌ای از قضایا و قوانین است که به‌صورت منطقی با هم مرتبط‌اند.
۴) شبکه‌ای از مفاهیم انتزاعی است که به خوبی با هم مرتبط‌اند.

۳- روش درون فهمی و تأکید بر عمل را کدام جامعه‌شناس مطرح ساخت؟

۱) اسپنسر
۲) دورکیم
۳) کنت
۴) ماکس وبر

۴- مفهوم «ساخت اجتماعی» با کدام‌یک از گزاره‌های زیر بیشتر قابل انطباق است؟

۱) ساخت اجتماعی مفهوم عینی است که می‌توان آن را به مجموعه برگرداند.
۲) ساخت اجتماعی هیچ ربطی به روابط اجتماعی ندارد و باید به کلی از آن جدا شود.
۳) ساخت اجتماعی مجموعه روابط اجتماعی آشکار است که به صورت مدل شجلی می‌یابد.
۴)روابط اجتماعی مواد اولیه‌ای است که با آنها مدل‌های سازنده ساخت اجتماعی فراهم می‌شود.

۵- کدام‌یک از تعاریف زیر برای تعریف نظریه مناسب‌تر است؟

۱) هم‌نگری جامع قضایای متعددی در قالب مجموعه‌ای پیوسته و منطقی که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد.
۲) نتیجه کوشش علمی است در راه جمع‌آوری شواهد و یافته‌های تجربی و تبیین آن‌ها از طریق استقراء.
۳) مجموعه قانون‌هایی که بر مبنای قواعد منطقی با یکدگیر در ارتباط بوده و مبین بخشی از واقعیت باشند.
۴) بررسی کلی و وسیع مسایل از راه تفکری آنکه این بررسی رابطه‌ای با عمل دانسته باشد.

۶- از نظر ریتزر کدامیک از نظریه‌ها عناصر تشکیل دهنده‌ی انگاره‌ی «تعریف اجتماعی»اند؟

۱) جامعه‌شناسی پدیده شناختی و روش‌شناسی مردم نگارانه
۲) جامعه‌شناسی سیستمی و روش‌شناسی مردم نگارانه
۳) جامعه‌شناسی اثباتی و نظریه کارکردگرایی
۴) نظریه کارکرد گرایی و نظریه تضاد

۷- در یک تئوری کدام یک از ویژگی‌های زیر بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؟

۱) اندازه تئوری
۲) توان توصیف واقعیت‌ها
۳) توان تبیین رابطه بین واقعیت‌ها
۴) رابطه منطقی بین اجزاء تئوری

۸- مقوله جامعه‌شناس جامعه‌شناس عبارت است از: ..... .

۱) بررسی تاریخ جامعه‌شناس
۲) شامل تاریخی در جامعه‌شناس
۳)تامل در خود جامعه‌شناس
۴) تحصیل جامعه شناختی تاریخ جامعه شناس

۹- یک نظریه‌ی جامعه‌شناختی از چه اجزایی تشکیل شده است؟

۱) قوانین، اصول و تبیینات ۲) مفاهیم، قضایا و مدل‌ها
۳) مفاهیم- متغیرها و ابطال ناپذیرها ۴) متغیرها، چارچوب‌ها و انتزاعات تجربی

۱۰- جامعه‌شناسان اولیه آمریکا اکثراً از کدام بینش و مکتب الهام می‌گرفتند؟

۱) ساخت‌گرایی ۲) تطورگرایی ۳) پدیداشناسی ۴) کارکردگرایی

۱۱- نظریه علمی عبارت است از:

۱) شناخت انسان از محیط اطراف خود
۲) شناخت بی‌غرضانه پدیده‌های اجتماعی در جوامع بشری
۳) بیان و شناخت علمی پدیده‌های طبیعی و پدیده‌های اجتماعی
۴) مفروضات سازمان یافته ذهن بشر

۱۲- در نظریه اثبات‌گرا توجه زیادی به:

۱) مطالعات و تحقیقات کیفی شده است. ۲) جدایی پدیده‌های اجتماعی از پدیده‌های طبیعی شده است.
۳) مبارزه علیه ذهن‌گرایی شده است. ۴) جوامع در حال توسعه شده است.

۱۳- چه نوع فرضیاتی در جامعه‌شناسی می‌تواند به سطح قانون ارتقاء یابد؟

۱) فرضیه‌ای که متکی بر نظریه باشد. ۲) هر فرضیه‌ای که تجربه‌پذیر باشد.
۳) هر فرضیه‌ای که عقلاً درست به نظر برسد. ۴) هر فرضیه‌ای که با تجارت مکرر و متعدد به اثبات برسد.

۱۴- اجزاء تشکیل دهنده نظریه عبارتند از:

۱) الف- فرض ب- الگو ج- متغیر ۲) الف- مفهوم ب- انگار ج- فرضیه
۳) الف- بنیان ب- راهکار ج- راهبرد ۴) الف- کارکرد ب- ساختار ج محتوا

۱۵- اندیشه‌ی اثبات گرایی (پوزیتیویسم) کدام روش‌های راهبردی را توسعه داد؟

۱) عقل‌گرائی ۲) دیالکتیک ۳) تجربه‌گرائی ۴) بینش تفهمی

۱۶- همفکری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه‌ی پیوسته و منطقی که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد، شامل کدام‌یک از موارد زیر است؟

۱) فرضیه ۲) ایدئولوژی ۳) مکتب ۴) نظریه

۱۷- در هر فرضیه با چند متغیر سروکار داریم؟

۱) دو متغیر و بیشتر ۲) دو متغیر ۳) یک متغیر ۴) سه متغیر و بیشتر

۱۸- کدام یک از موارد زیر بنیاد پارادایم‌های علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهند؟

۱) فروض – فرضیه‌ها ۲) قضایا ۳) مفروضات ۴) تئوریها

۱۹- هدف از ارائه یک مدل نظری چیست؟

۱) تفسیر ۲) توصیف و تجسم ۳) تبیین ۴) پیش‌بینی

پاسخ تست های آخر فصل

۱- گزینه «۲»
۲- گزینه «۴»
۳- گزینه «۴»
۴- گزینه «۴»
۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۱»
۷- گزینه «۳»
۸- گزینه «۳»
۹- گزینه «۲»
۱۰- گزینه «۲»
۱۱- گزینه «۴»
۱۲- گزینه «۳»
۱۳- گزینه «۴»
۱۴- گزینه «۲»
۱۵- گزینه «۳»
۱۶- گزینه «۴»
۱۷- گزینه «۲»
۱۸- گزینه «۳»
۱۹- گزینه «۲»

فصل دوم

مونتسکیو، مانهایم

عناوین اصلی

- جمله مشهور مونتسکیو
- روح کلی
- خلاصه فصل

فصل دوم

مونتسکیو، مانهایم

مونتسکیو

کتاب مونتسکیو روح القوانین است. هدف او معقول گردانیدن تاریخ است. به نظر وی هیچگونه یقینی وجود ندارد که پیروزی نظامی نشانه‌ی عظمت یک دولت و یا هر شکست نشانه‌ی فساد آن باشد. میان گوناگونی بی انتهای عادات و یکسانی مطلق جامعه‌ی آرمانی حد وسطی وجود ندارد. **نظریه سه نوع حکومت**: حکومت جمهوری به فضیلت، حکومت سلطنتی به شرف و حکومت استبدادی ترس وابسته است نظریه ابعاد دولت متعلق به مونتسکیو است. حکومت جمهوری و حکومت سلطنتی متعادلند و حکومت استبدادی نامتعادل است. به نظر وی تضاد قطعی عبارت است از تضاد میان استبداد. نظریه استبداد سیاسی نیز از وی است.به نظروی مانع اصلی که دربرابراستبدادوجوددارد مذهب است.

جمله مشهور مونتسکیو

همه‌ی سلطنت‌ها به استبداد می‌کشند همچنان که همه‌ی شطوط به دریا می‌ریزند. به نظر وی میان شیوه‌ی حکومت، یعنی نوع نظام از یک سو و سبک روابط اشخاص از سوی دیگر رابطه برقرار شده است. هرچند همه‌ی دولتها به طور کلی هدف دارند که عبارت است از تأمین بقای دولت، اما هر دولتی هدفی خاص نیز دارد. نظریه جمهوری نیز از وی است. به نظر مونتسکیو شرط احترام و امنیت اعضای جامعه آن است که هیچ قدرتی نامحدود نباشد. مونتسکیو می‌گوید استبداد با طبیعت بشری مخالف است. اقتصاد برای منتسکیو اساساً عبارت است از کشاورزی و تجارت. وی معتقد است که بیشتر جوامع با خطر کمی جمعیت روبرو هستند.

روح کلی

از دید مونتسکیو دو تا از مهمترین علل اجتماعی تعیین کننده‌ی روح کلی یک ملت عبارتند از:

۱- مجموعه‌ی اعتقادات یا مذهب

۲- سازمان کار و مبادلات

سرانجام جامعه‌شناسی مونتسکیو مفهوم روحی کلی یک ملت است به طور کلی شماره افراد تابع امکانات تولید کشاورزی است. به عقیده مونتسکیو برای تشویق دهقان به تولید بیشتر بد نیست که ذوق چیزهای زاید در وی پدیدآروده شود. مونتسکیو می‌نویسد: چند چیز برآدمیزادگان حکومت می‌کنند: آب وهوا، مذهب، قوانین، اصول حکومت، سرمشقهای گذشته، آداب و رسوم و از اینجا یک روح کلی ساخته می‌شود که زاییده‌ی عوامل مذکور است. روح کلی همان خصیصه‌هایی است که اجتماع در طول زمان بر اثر کثرت تاثیرهای وارد بر خویش بدست می‌آورد. به عقیده‌ی مونتسکیو روح کلی یک

ملت یعنی نوع سبک زندگانی و روابط مشترک که بیش از آنچه که علت باشد، معلول است، معلول مجموعه تاثیرهای جسمانی و اخلاقی، که در طول زمان به اجتماع قوام می‌بخشد. روح کلی یک ملت با اراده‌ی خلاق یک شخص یا اجتماع مقایسه‌پذیر نیست روح کلی یک ملت عبارت است از طرز بودن، عمل کردن، اندیشیدن و حس کردن اجتماعی خاص به شکلی که جغرافیا و تاریخ به وجود آورده است، مقصود از روح القوانین دقیقاً عبارت است از مجموعه‌ی روابطی که میان قوانین فرمانی جوامع گوناگون بشری و عوامل موثر بر آنها یا تعیین کننده‌ی آنها وجود دارد. روح القوانین مجموعه روابطی علی است که قوانین فرمانی را توجیه می‌کند. مونتسکیو معتقد بود که روابط منصفانه، یا اصول عدالت، پیش از قوانین وضعی دارای اعتبار عمومی وجود داشته است.

منطق اندیشه مونتسکیو از سه عنصر تشکیل شده است.

۱- مشاهده گوناگونی قوانین وضعی

۲- تبیین این گوناگونی به کمک علتهای بسیار و سرانجام

۳- به تبعیت علمی قوانین، اندرزهای سودمند عملی به قانون‌گذاران.

به نظری وی نمادهایی مانند بردگی و استبداد با خواستهای طبیعی انسان متناقضند.

هدف مونتسکیو این است که فلسفه‌ای پدید آورد که بتواند تبیین جبری جوامع را با قضاوتهای اخلاقی و فلسفی که دارای اعتبار عمومی باشد، تلفیق کند. انسان طبیعی به نظر او انسات مقدم بر جامعه است. انسان به خودی خود به هیچ وجه ستیزه جو نیست. جنگ پیش از آنکه نمودی انسانی باشد، نمودی اجتماعی است. جنگ و نابرابری در ذات جامعه وجود دارد نه در ذات فرد. هدف سیاست آن است که جنگ و نابرابری را تخفیف دهد یا آرامتر سازد. هدف جوامع را می‌توان با تحلیل عقلانی تعیین کرد. مونتسکیو و توکویل نوعی تقدم برای سیاست و صورت دولت قایل بودند و مارکس سازمان اقتصادی را مقدم می‌شمرد. از نظر وی حکومت با قانون‌گرایی سازگار است. مونتسکیو بر این است که مانع اصلی که در برابر قدرت مطلقه و استبدادی وجود دارد مذهب است.

مانهایم

از لحاظ بینش مانهایم نظم گرا و ساختارگرا بود. افکار او تحت تاثیر کانت و مارکس است. این گفته مارکس تاثیر بسزایی در ذهن او ایجاد نموده بود که گفته بود. «هسته اجتماعی ما طرز فکر و شعور ما را تبیین می‌کند» مانهایم معتقد بود که شرایط اجتماعی تامین کننده معرفت است و تفاوتهای اجتماعی باعث تفاوتهای فکری می‌شود. سوال اساسی او این است که چرا افراد یا گروه‌ها درباره یک امر واحد ،افکار و موضع‌گیری‌های متفاوتی می‌کنند؟ مانهایم ریشه و منشا آن را در تفاوتهای اجتماعی می‌بیند او می‌گوید تفاوت در عوامل زیر است:

۱- طبقات

۲- قشربندی

۳-پایگاه اجتماعی

۴- شغل

۵- قوم

۶- مذهب

۷- محل زندگی